

نقش باورهای کلامی مترجمان در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم

(مطالعه موردی صفات خبری منفی‌نمای خداوند: مکر، اسف، انتقام و استهزاء)

^۱ سمیرا قنبری

^۲ سهیلا جلالی‌کندری

^۳ میرسعید موسوی رضوی

چکیده

برخی صفات مشترک میان خدا و انسان، نظیر مکر، اسف، انتقام و استهزاء، صفاتی منفی‌نما است که واکاوی نحوه‌ی مواجهه‌ی مترجمان با این آیات را ضروری می‌نماید. نوشتار حاضر، مترجمانی از شیعه و سنی را برگزیده و بر عملکرد ایشان در ترجمه‌ی آیات دربردارنده‌ی چهارصفت منفی‌نمای پیش‌گفته، متمرکز است. این پژوهش، با روش توصیف و تحلیل انتقادی بر مبنای مدل فرحزاد و با بهره‌گیری گزینشی از انواع ترجمه‌ها اعم از کهن، معاصر، تحت اللفظی، آزاد و تفسیری انجام شده و منابع لغوی، تفسیری و کلامی متعددی را برگزیده و نشان می‌دهد در ترجمه‌های تفسیری که تطویل و زیاده‌گویی وجود دارد، انعکاس باورهای مترجم مشهود است؛ اما در ترجمه‌های امین و تحت اللفظی به دلیل پایبندی به زبان مبدأ و عدم ورود به افزوده‌های تفسیری و ترجیح ترجمه‌ی واژه‌به‌واژه، این اختلاف عقیدتی، نمود ظاهری نمی‌یابد؛ زیرا وظیفه‌ی مترجم در ترجمه‌ی آیات، چیزی فراتر از برگرداندن واژه‌ها از مبدأ به مقصد نیست و دخالت دادن مفاهیم کلامی در ترجمه، فراتر از حوزه‌ی کاری مترجم است؛ حتی گاهی مترجمان، همان واژه‌ی عربی را بدون ترجمه ذکر کرده‌اند؛ بنابراین در این گونه از ترجمه‌ها، تفاوت قابل ملاحظه‌ای حتی میان ترجمه‌های شیعی و سنی مشاهده نمی‌شود.

واژگان کلیدی

ترجمه‌های قرآن، باورهای کلامی مترجم، صفات خبری منفی‌نمای خداوند، الگوی فرحزاد، مترجم شیعی، مترجم سنی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

Email: sgghanbari@ymail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: s.jalali@alzahra.ac.ir

۳. دانشیار گروه مترجمی زبان انگلیسی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: s.mousavi@atu.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۴/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۱/۲۰

طرح مسأله

ترجمه از دیرباز تاکنون یکی از راه‌های انتقال دانش و فرهنگ از یک ملت به ملتی دیگر بوده و در دنیای امروز از اهمیت زیادی برخوردار است. تاریخ ترجمه به قدمت تاریخ زبان‌های مختلف است. چنان‌که قدیمی‌ترین نمونه‌های ترجمه به تحریر بابلی از افسانه گیلگمش به حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد در بین‌النهرین باز می‌گردد که در آن، متن سومری به اکدی ترجمه شده است. (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۱۴)

در بین انواع ترجمه، ترجمه متون دینی نقش مهمی در انتقال پیام ایفا می‌کند و البته همواره با چالش‌هایی همراه بوده است. مسلمانان بر این باورند که برخی فرازهای قرآنی که با عباراتی مانند "یا ایها الناس" مردم را مخاطب قرار می‌دهد، رسالتی جهانی برای آن ترسیم می‌کند. به این معنا که قرآن کریم به عنوان کلام خدا متعلق به همه مردم است؛ و ترجمه هرچه دقیق‌تر آن، راهی برای بهره‌گیری همگان از این کتاب آسمانی است؛ اگرچه که برخی، ترجمه قرآن را جایز ندانسته‌اند و برخی دیگر، برگردان وحی الهی را محال می‌دانند و میان فقها بحث‌های مفصلی درباره «جواز» یا عدم جواز ترجمه قرآن کریم صورت گرفته است.

علی‌رغم اختلاف نظرها در زمینه‌ی ترجمه‌ی قرآن کریم، این کتاب در قرون اولیه به زبان‌های دیگر ترجمه می‌شده و در دنیا به شرح و تفسیر هیچ کتاب دیگری به اندازه قرآن اقبال نبوده است. (ن ک : بهارزاده، ۱۳۷۸)؛ اهمیت ترجمه‌ی قرآن به عنوان وحی الهی، ضرورت نقد آن را نیز در پی دارد.

این تحقیق بر اساس یک وجه از مدل سه وجهی نقد ترجمه فرحزاد بنا شده است؛ این مدل که برگرفته از مدل سه وجهی نورمن فرکلاف^۱ برای تحلیل گفتمان انتقادی و زیرمجموعه نقد مقابله‌ای است، تأثیر ایدئولوژیک گفتمان را بر ترجمه‌ها بررسی می‌کند. در پرتو چنین رویکردی در نقد ترجمه، باورهای کلامی، فلسفی و ایدئولوژیک هر مترجم از طریق تحلیل گزینش‌های ترجمه‌ای صورت گرفته، کشف و بررسی می‌شود.

1. fairclough

در اندیشه‌ی فرحزاد نقد ترجمه به عنوان یک زمینه‌ی پر کاربرد مطالعات ترجمه در تمامی زمینه‌های متنی و پیرامنتی یک اثر ترجمه‌ای فعالیت و از واژگان تا مؤلفه‌های پیرامنتی را بررسی می‌کند و بیش از هر چیز با انتخاب‌های ترجمه مترجمان و چرایی آنها سروکار دارد. (فرحزاد، ۱۳۹۰: ۲۹) انتقاد ترجمه‌ای در سه سطح متنی، پیرامنتی و نشانه‌شناسی انجام می‌شود.

در سطح متنی هر آنچه در متن است؛ یعنی، جمله‌ها و کلمه‌ها، ساخت‌های دستوری، معناهای آشکار و ناآشکار و نظایر آن تحلیل، و متن مبدأ و مقصد به لحاظ انتخاب‌های واژگانی، دستوری و راهکارهای ترجمانی مقایسه می‌شود. در سطح پیرامنتی آنچه درباره‌ی متن است از جمله یادداشت مترجم یا ناشر، مقدمه و مؤخره و پانویس‌ها که حاکی از موضع‌گیری‌های ایدئولوژیک است، تحلیل می‌شود و در سطح نشانه‌ای، تحلیل نشانه‌های غیر کلامی شامل تصاویر روی جلد و داخل کتاب، صفحه‌آرایی، نوع خط، رنگ آمیزی و مواردی از این قبیل صورت می‌پذیرد.

آنچه مستقیماً در ترجمه منعکس می‌شود، مبانی اعتقادی مترجمان است؛ خصوصاً در برگردان فرازهایی که حاوی موضوعات کلامی است؛ زیرا به نظر می‌رسد مدل الهیاتی اهل سنت را می‌توان به طور کلی مدل اهل تشبیه دانست؛ به این معنا که خداوند، به گونه‌ای انسان‌وار، مکان خاصی دارد و بر روی عرش است؛ درحالی که مدل الهیاتی جریان معتزله از اهل سنت، مدل اهل تنزیه است و آنها برخلاف مشبّه می‌کشند مدل معرفتی‌ای از خدا تصویر کنند که به هیچ عنوان انسان‌وار نبوده و هیچ شباهتی با هیچ‌یک از آفریده‌ها ندارد، قابل رؤیت نبوده و اساساً هیچ صفتی ندارد. (گذشته، ۱۳۸۲: ۶۶) مجتهد شبستری در تأیید این نظر می‌نویسد که فضای فهم اهل حدیث و اشاعره مبتنی بر استماع و تسلیم است. متکلمان معتزله نماینده‌ی فضای تعقل اعتزالی هستند. فلاسفه نیز، با فضای تعقل فلسفی و عرفا با فضای رنج غربت و بازگشت به اصل و باطن خویش با متون اسلامی مواجهه دارند. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۷: ۱۰۳)

در خصوص تأثیر باورهای کلامی و ایدئولوژیک مترجمان بر ترجمه‌ها، پژوهش‌هایی جلب نظر می‌کند که به لحاظ روش‌شناختی و نیز دامنه‌ی انتخابی آیات و نیز مترجمان با

پژوهش حاضر متفاوت است:

۱- مقاله «انعکاس ایدئولوژی مترجمان در ترجمه قرآن» از محمد حسین قریشی و طاهر جهانجویان (۱۳۹۱ش) که متمرکز بر بررسی نمونه‌های انگلیسی بوده و از بین مترجمان فارسی به ترجمه الهی قمشه‌ای بسنده کرده است.

۲- مقاله «مطالعه معناشناختی امهات اسماء و صفات الهی و نقد ترجمه‌های فارسی قرآن» از رضا امانی و سیرا شادمان (۱۳۹۲ش) که تنها بر ترجمه کلمات: الله، رحمان، رحیم، رؤوف، علیم، حکیم، خبیر، خالق و فاطر متمرکز است.

۳- پایان‌نامه کارشناسی ارشد «فاکتورهای سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک دخیل در ترجمه قرآن کریم» از ناهید عبادی (۱۳۹۳ش) که هدف آن بررسی تأثیر عوامل سیاسی، عقیدتی، اجتماعی و نیز ایدئولوژی مترجمان بر ترجمه بوده و آثار شش مترجم با پیشینه‌های مختلف مذهبی، اجتماعی و فرهنگی را بررسی کرده است. این نوشتار انگلیسی زبان، ۳۰ آیه از هشت فصل مختلف قرآن در باب جهاد، منافقان، مشرکان و اهل کتاب را برگزیده و ویژگی‌های واژگانی آن را بر مبنای مدل ون دیژک و ویژگی‌های دستورزبانی‌اش را بر مبنای الگوی فرکلاف تطبیق داده است. (عبادی، ۱۳۹۳)

۴- مقاله «بررسی تأثیر پیش‌فرض‌های مذهبی بر ترجمه قرآن» از سهراب مروتی و مینا یعقوبی (۱۳۹۴ش) که با بررسی سه آیه از قرآن کریم در باب عدل، امامت و وضو از دیدگاه سه تن از مترجمان اهل سنت (مبیدی، دهلوی، نسفی) و سه مترجم معاصر شیعه (مکارم، قمشه‌ای و فولادوند)، چگونگی تأثیر پیش‌فرض‌های اعتقادی بر ترجمه قرآن را بررسی کرده و انعکاس عقاید مترجم بر ترجمه را به وضوح نشان می‌دهد.

۵- مقاله «تأثیر باورهای کلامی بر افزوده‌های توضیحی مترجمان معاصر قرآن فیض الاسلام و خرم‌دل» از مهدی مختارزاده نیکجه و سید محمدعلی ایازی (۱۳۹۶ش) که صرفاً به ترجمه ۶ آیه از قرآن (اعراف/۱۴۳، قیامت/۲۳، فتح/۲، بقره/۱۲۴، احزاب/۲۳، مائده/۵۵) و از دو ترجمه فیض الاسلام و خرم‌دل پرداخته و تفاوت افزوده‌های توضیحی منطبق با باورهای کلامی مترجم را بررسی کرده است.

۶- مقاله «معناشناسی صفات منفی‌نمای خداوند در قرآن از دیدگاه فخر رازی و علامه

طباطبایی» از روح‌الله زینلی (۱۳۷۸ش) که نشان می‌دهد هر دو مفسر در این موضوع، بسیاری از آیات قرآن را تأویل کرده‌اند.

۷- پایان‌نامه کارشناسی ارشد «پیش‌فرض‌های کلامی و ترجمه صفات خداوند در قرآن کریم» از اشکان راد (۱۳۹۷ش) در این نویسه‌ی انگلیسی زبان، ترجمه آیاتی از قرآن مجید شامل صفات و اعمالی در ارتباط با خداوند، واکاوی و نحوه مواجهه ۱۲ مترجم فارسی زبان و ۱۸ مترجم انگلیسی زبان با این آیات بر اساس مدل فرحزاد بررسی شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در ۷۰ درصد از موارد، ترجمه انسان‌وار و در ۳۰ درصد دیگر ترجمه نوانسان‌وار از این واژه‌ها ارائه شده و تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین ترجمه‌های انگلیسی و فارسی در خصوص گرایش به نوانسان‌وارگی در ترجمه این آیات دیده می‌شود.

۸- مقاله «بازنمایی تصویر انسان‌وار و نوانسان‌وار از خدا در ترجمه‌های انگلیسی و فارسی قرآن مجید (مورد پژوهی ید و ساق)» از دکتر میرسعید موسوی رضوی و اشکان راد (۱۳۹۷ش) که به بررسی تأثیر مبانی کلامی و فلسفی مترجمان در ترجمه‌ها پرداخته است.

۹- پایان‌نامه کارشناسی ارشد «تأثیر آراء فقهای شیعه بر ترجمه‌های معاصر آیات الاحکام» از سید علی اصغر میر علی اکبری (۱۳۹۸ش). این پژوهش تنها به بررسی آیات الاحکام در محدوده ترجمه‌های معاصر اختصاص دارد.

تفاوت پژوهش‌های پیش‌گفته با نوشتار حاضر، اولاً در انتخاب دامنه‌ی آیات، ثانیاً تعداد مترجمان و ثالثاً در پیاده‌سازی مدل فرحزاد است. توضیح آن‌که این نوشتار، آیات دربردارنده صفات منفی‌نمای خداوند (مکر، اسف، انتقام و استهزاء) را برگزیده و با صرف نظر از ترجمه‌های انگلیسی زبان به مقایسه مترجمان کهن و معاصر از فرقه‌های مختلف شیعه و سنی می‌پردازد و علاوه بر الگو قرار دادن مدل فرحزاد در تحلیل، عملکرد تعداد بیشتری از مترجمان دوره کهن، میانه و عصر جدید را با یکدیگر مقایسه می‌کند. و به طور مشخص در پی پاسخ به این پرسش است که باورهای کلامی مترجمان چگونه در انتخاب واژگان منعکس می‌شود؟ با این توضیح، در این نوشتار، بدون نظر به دو سطح پیرامنی و نشانه‌ای، تنها متن مبدأ و مقصد به لحاظ گزینش‌های واژگانی تحلیل می‌شود.

۱- گفتاری در باب صفات خبری خداوند

شناخت خداوند و صفات او، از مباحث بسیار مهم در ادیان الهی است. تا به آن جا که حتی ملحدان و منکران خدا نیز برای اثبات گمان‌شان در پی یافتن تناقضاتی برای صفات منسوب به خدا برآمدند.

در بین صاحب‌نظران مسلمان، دو دیدگاه کلی در این باره وجود دارد: برخی معتقدند خداوند صفت ندارد؛ درحالی که اکثریت، خداوند را دارای صفات می‌دانند (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۰۴) و رویکردهای متفاوتی در تقسیم‌بندی این صفات دارند که رایج‌ترین آنها، تقسیم به ثبوتی/ سلبی، جمالی/ جلالی و ذاتی/ فعلی است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۶/ ۱۱۸-۱۲۲؛ سبحانی، ۱۴۱۲: ۸۲/۱).

صفات خبری خداوند از مشهورترین مباحث حوزه‌ی صفات الهی است؛ زیرا بیشترین آیات مُتشابهی که در ایجاد نحله‌های کلامی مؤثر بوده، آیات این حوزه است. صفات خبری خداوند، ویژگی‌هایی انسانی است که به او نسبت داده می‌شود. (اشعری، ۱۴۰۰: ۵۲۱) صفاتی که به نوعی، تشبیه خداوند به مخلوقات است. این صفات به دو نوع مثبت/ منفی، قابل تفکیک است.

صفات خبری مثبت مانند داشتن وجه، دست، ساق، حرکت کردن و آمدن در قیامت، یا قابل رؤیت بودن و صفات خبری منفی‌نما، صفاتی با بار معنایی منفی و حاکی از ویژگی‌های ناشایست انسانی است؛ همچون مکر، خدعه، انتقام، نسیان و استهزاء. (نراقی، ۱۳۷۸: ۲۴۵ و ۲۸۷)

۲- گفتاری در باب تفاوت نظر متکلمان فریق مختلف در باب تجسیم

خداوند در آیاتی، فعل آمدن را به خود نسبت می‌دهد^۱ یا داشتن ید و دست^۲ یا داشتن چشم^۳ یا داشتن ساق^۴ را برای خود مطرح می‌کند یا برخورداری از کرسی و مکان^۵ برای او اثبات می‌شود. این موارد، همگی آیات متشابه و از صفات خبری و موهن تشبیه با خلق است.

امامیه با نظر به آیه: لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ (شوری/۱۱) و آیه: لَا تَذَرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ (انعام/۱۰۳) آیات فوق را متشابه می‌داند و آنها را تأویل می‌کند یا به دیگر بیان به مناسبت و شرایط صدر و ذیل آیه، آن را به معنای خاصی که هیچ تشابهی با خلق نداشته باشد، تفسیر می‌کند اما عده‌ای از متکلمان از این آیات، رؤیت و مجیء و تجسیم را تصور کرده یا به آن معتقد شدند. مشبّهه و مجسمه - گروهی از اهل حدیث - صفات خبری را با همان انسان‌وارگی به خداوند نسبت می‌دهند و نگاه جسم‌انگارانه به خدا دارند (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۹۵/۲). تکیه‌گاه اصلی این گروه، ظاهر آیات فوق است. آنان نگاه ظاهر‌گرایانه به صفات خبری منسوب به خدا دارند و از ظاهر آیات عدول نمی‌کنند.

در مقابل، اهالی اعتزال که توحید را نخستین اصل از اصول پنج‌گانه خود قرار داده‌اند. برآنند که خداوند نه جسم است و نه عرض، و به هیچ‌یک از حواس پنج‌گانه در نمی‌آید، در دنیا و آخرت دیده نمی‌شود، در حیّز و مکان در نمی‌آید و لم یزل و لایزال است. واجب الوجود بوده و هر چیز غیر از او ممکن الوجود است. (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۹: ۸۹)

۱. مانند: وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (فجر/۲۲) هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ (بقره/۲۱۰) هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ (انعام/۱۵۸).

۲. بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ (مائده/۶۴) قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِدَيِّ (ص/۷۵) إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ (فتح/۱۰)؛ وَ الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ (زمر/ ۶۷) فَسُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (یس/ ۸۳).

۳. تَجَرَّى بِأَعْيُنِنَا (قمر/ ۱۴) وَ لَتَنْصَعَنَّ عَلَيَّ عَيْنِي (طه/ ۳۹) وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا (الطور/ ۴۸).

۴. يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَ يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (قلم/ ۴۲)

۵. وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ (بقره/ ۲۵۵) ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (تکویر/ ۲۰).

۳- گفتاری در باب تفاوت نظر متکلمان فریق مختلف در باب ذات الهی و صفات

او

این بخش مروری است بر دیدگاه معتزله، اشاعره و ماتریدیه، امامیه و اشعریان در باب توحید ذات و صفات.

معتزله براین باورند که خداوند صفاتی دارد که عین ذات اوست و در تبیین صفات خبری نباید در دام تشبیه و تجسیم افتاد؛ بلکه باید فرازهای موهم تشبیه و تجسیم خداوند را تأویل کرد. آنچه مورد توجه اکید معتزله است، توحید صفاتی است. آنها هر گونه صفت زائد بر ذات را از خداوند نفی می‌کنند. مخالفان معتزله در توحید صفاتی، «صفاتی» نامیده می‌شوند. صفاتی صفات الهی اعم از صفات ذاتی و فعلی را زائد بر ذات او می‌دانند. (ربانی گلیاگانی، ۱۳۸۵: ۱۴). لازم به ذکر است که جریان اشاعره که از طرفدار جدی زیادت صفات بر ذات است، (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۳۵/۱) نظریه معتزله در توحید صفاتی را، انکار صفات خداوند از ذات او یا نیابت ذات او از صفاتش معرفی می‌کند؛ درحالی که این عقیده حتی اگر قابل انتساب به عده‌ای باشد؛ هرگز از عقاید عمومی معتزله نبوده است. (همان).

اما ماتریدیه و اشاعره، دو جریان معتدل‌تری هستند که بین اهل حدیث و معتزله قرار دارند. اشاعره در تعریف توحید، بر خلاف معتزله که به توحید افعالی اهتمام می‌ورزند، به توحید ذاتی تصریح دارند. ابوالحسن اشعری پیشوای اشاعره که در پایان قرن سوم و ابتدای قرن چهارم، علم کلام جدیدی میان اهل سنت رواج داد، او برخلاف معتزله، به قدم قرآن و تفاوت بین ذات و صفات خدا و ضرورت رؤیت خداوند در آخرت قائل شد. (اشعری، علی بن اسماعیل، ۱۴۱۴: ۵۶)

شهرستانی دیدگاه اشعریان را در تبیین توحید این گونه بیان می‌کند: «اصحاب ما می‌گویند واحد که به آن شیء گفته می‌شود، در ذات خود قسمت‌پذیر نبوده و شرکت را نمی‌پذیرد؛ از این رو خداوند در ذاتش واحد است. هیچ کس مثل او نیست و در صفاتش واحد است. هیچ کس شبیه او نیست و در افعالش واحد است. هیچ کس شریک او نیست.» (نهایه الاقدام، ۹۰)

امامیه اصلی‌ترین توحید را توحید در احدیت به معنای عدم ترکیب در ذات خداوند

می‌داند. هو الاول در اوصاف خداوند یعنی او به تمام معنا اول است و غیر از او، هر چه باشد، بعد از اوست. لذا امامیه هیچ ترکیبی که بخواهد خداوند را محدود کند، نمی‌پذیرد (سبحانی، ۱۳۷۰، ۳۰/۲). با این توضیح، هیچ ترکیبی در ذات خداوند وجود ندارد. حتی ترکیب از وجود و ماهیت و همینطور ترکیب از وجود و عدم، پس خداوند، سراسر هستی و اصل الوجود است. لازمه این معنا این است که وجود نامتناهی است که عدم در ذاتش راه ندارد تا بخواهد او را محدود کند. پس هم عقل و هم نقل این معنا را اثبات می‌کند که تمام ترکیب‌ها از خداوند بیرون است؛ بنابراین توحید به معنای احدیت ذات و عدم ترکیب در ذات الهی، علت یگانگی ذات و عدم شریک برای ذات است. (همان، ۲: ۳۱).

اهالی اعتزال توحید را نخستین اصل از اصول پنج‌گانه خود قرار داده‌اند. یکی از متفکران معتزلی قاضی عبدالجبار در تبیین توحید فقط به دو مرتبه توحید ذاتی و صفاتی پرداخته است و می‌گوید: «توحید در اصطلاح متکلمان آن است که ما به یگانگی خداوند اعتقاد داشته باشیم و غیر او را در صفاتی که فقط او مستحق آن است، شریک قرار ندهیم.» (راشدی‌نیا، ۱۳۸۴، ۸۰)

۴- گفتاری در باب صفات خبری منفی نمای خداوند

به کار رفتن صفات خبری منفی نمای خداوند که از هر گونه نقص و ردیلت به دور است معرکه آراء متکلمان و مترجمان است؛ صفاتی همچون استهزاء کردن «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» (بقره/۱۵) خدعه و نیرنگ کردن «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ» (نساء/۱۴۲)، مکر کردن «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران/۵۴) تأسف خوردن «فَلَمَّا أَسْفَوْنا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ» (زحرف/۵۵) اذاء شدن «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ» (احزاب/۵۷) غضب کردن «لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (ممتحنه/۱۳) لعنت کردن «بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ» (بقره/۸۸) چگونگی مواجهه مترجمان با فرازهایی همچون آیات فوق چگونگی ظهور این صفات از خداوند در نظرگاه ایشان را نشان می‌دهد.

طبرسی در پاسخ به علت انتساب این صفات منفی نما به خداوند می‌نویسد: «وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَسْخَرُ وَلَا يَسْتَهْزِئُ وَلَا يَمْكُرُ وَلَا يُخَادِعُ وَكَتَبَهُ عَزَّوَجَلَّ يُجَازِيهِمْ جَزَاءَ السُّخْرِيَّةِ وَجَزَاءَ

الْإِسْهَازِ وَ جَزَاءِ الْمَكْرِ وَ جَزَاءِ الْخَدِيعَةِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلوًّا كَبِيرًا (طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۸۱: ۴۱۱/۲) یعنی خداوند، جزاء خدعه، جزاء سخریه، جزاء مکر یا جزاء نسیان را در مقام مجازات، به آنها می‌دهد. به این ترتیب از نگاه طبرسی درواقع فعل الهی در مقام جزاء، طوری برای آنها ظاهر می‌شود، که جزاء فعل سخریه، خدعه و مکر را به گونه‌ای که لایق آنند، مشاهده می‌کنند. اما در بین نحله‌های کلامی اهل حدیث امثال این افعالی را که نوعی ذمّ به ساحت حقّ تعالی را به دنبال دارد، به ظاهرش معنا می‌کنند و قائلند این افعال از خداوند صادر می‌شود هر چند خداوند را به اسمائی مانند مُسْتَهْزِء یا ناسی یا ماکر یا خادع، متّصف نمی‌کنند، (آلوسی، ۱۴۲۶: ۱۶۱/۱).

۴-۱. چگونگی ترجمه صفت خبری تأسف و انتقام برای خداوند

از صفات خبری خداوند که در شمار آیات متشابه است، می‌توان به صفت خبری تأسف و انتقام اشاره کرد:

فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (زخرف / ۵۵)

ترجمه‌های اهل سنت:

طبری: و چون به اندوه آوردند ما را، کینه کشیدیم از ایشان.

سورآبادی: چون به خشم آوردند ما را، کین کشیدیم از ایشان.

دهلوی / میدی: پس آنهنگام که به خشم آوردند ما را، انتقام کشیدیم از ایشان.

نسفی: چون سزای غضب ما شدند، عقوبت کردیم‌شان.

خرمدل: هنگامی که ما را (با افراط در فساد و استمرار در طغیان) بر سر خشم آوردند، از

آنان انتقام گرفتیم.

انصاری: پس هنگامی که [به اعتبار غایت] ما را خشمگین ساختند، از آنان انتقام

گرفتیم.

(طبری این واژه را کینه کشیدن و سورآبادی، دهلوی، میدی، خرم‌دل و انصاری انتقام

کشیدن و نسفی، عقوبت کردن معنا کرده‌اند.

ترجمه‌های شیعی:

معزّی / مشکینی / مجتبوی / گرمارودی / فولادوند / سراج / ابوالفتح رازی / الهی
قمشه‌ای / صالحی نجف آبادی / خرمشاهی / کوشا: پس چون ما را به خشم آوردند، از آنان
انتقام گرفتیم.

سراج: پس آن دم که فرعونیان به خشم آوردند ما را، انتقام کشیدیم از ایشان.
بهبودی: چون خشم ما را برافروختند، از آنان انتقام ناسپاسی و نافرمانی آنان را گرفتیم
فیض الاسلام: پس چون ما را (به سبب تجاوز از حدّ و اندازه در معصیت و گناه)
خشمگین ساختند، از رحمت و مهربانی ما بی بهره شدند.
صالحی نجف آبادی / خرمشاهی / کوشا، سراج و بهبودی این واژه را انتقام گرفتن و
فیض الاسلام دوری و بی بهره شدن از رحمت الهی ترجمه کرده است.

جدول ۱ (ترجمه واژه اَسْفُونَا در آیه ۵۵ سوره زخرف)

نام مترجم	واژه انتخابی
نسفی	سزای غضب ما شدند
طبری	به اندوه آوردند ما را
بقیه مترجمان	به خشم آوردند / بر سر خشم آوردند / خشمگین ساختند

جدول ۲ (ترجمه واژه اَنْتَقَمْنَا در آیه ۵۵ سوره زخرف)

نام مترجم	واژه انتخابی
طبری و سورآبادی	کینه کشیدیم
نسفی	عقوبت کردیم
فیض الاسلام	از رحمت بی بهره کردیم
بهبودی	انتقام ناسپاسی و نافرمانی را گرفتیم
بقیه مترجمان	انتقام گرفتیم

مترجمان در برگردان واژه (اَسْفُونَا) عبارات متفاوتی برگزیدند:

- ۱- اغلب مترجمان معادل "به خشم آوردن" را برگزیدند.
- ۲- طبری معنای "به اندوه آوردن" را انتخاب کرده است.

۳- نسفی از معنای ظاهری عدول کرده و به گونه‌ای ترجمه کرده تا مفهوم غضب را از ساحت خداوند منزّه بدارد. غیر از نسفی، دیگر مترجمان، خشمگین کردن یا اندوهناک شدن را به خداوند نسبت دادند!

خلیل بن احمد، اُسف را به معنای اندوه و غضب گرفته است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۱۱/۷) و زبیدی هم می‌نویسد: اُسف، شدت حزن را گویند (زبیدی، ۱۳۸۵ ق: ۸۱/۱۲) راغب بین دو معنای حزن و غضب جمع کرده می‌نویسد: اُسف یعنی حزن و غضب با هم، و هر کدام از این معانی گاهی به جای هم به کار می‌روند. حقیقت معنای اُسف به جوش آمدن یا تغییر حرارت و حرکت خون در قلب است، برای انتقام گرفتن در حالت خشم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴: ۱۷۲/۱).

اُسف نسبت به خداوند عذاب و سخط الهی است چنان که حبّ، تفضل و نعم او است، زیرا خداوند محل حوادث نیست و تغییر در ساحت قدس او روا نیست. اِنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ انتقام اخذ به ظلم است (طیب اصفهانی، ۱۳۸۲ ق، ۵۲۲/۱۲).

یکی از مترجمان معاصر قائل است که خشم و کین درباره خدا به معنای اراده کفر و مجازات از سوی اوست (کوشا، ص ۴۹۳). طباطبایی در این باره معتقد است رضایت خدا از اوصاف فعلیه او است، نه ذاتیه. اگر بندگان یک روز نافرمانیش کنند، دچار خشم می‌شود و اگر در روز دیگری اطاعتش کنند راضی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/ ۵۱۰).

مکارم شیرازی می‌گوید: «در بسیاری از اوصاف و افعال الهی که می‌گوییم خداوند، گنهکاران را «غضب» می‌کند، در وهله اول این معنا را به ذهن متبادر می‌کند که خداوند - العیاذ بالله - همچون یک شخص غضبناک با انسان رفتار می‌کند، در حالی که خشم و غضب که به معنی هیجان نفس آدمی است، در مورد خدا هرگز صدق نمی‌کند؛ زیرا خشم در انسان یک نوع هیجان و برافروختگی درونی است که سرچشمه حرکات تند و شدید و خشن می‌شود، و نیروهای وجود انسان را برای گرفتن انتقام، بسیج می‌کند، ولی در مورد پروردگار هیچ‌یک از این مفاهیم وجود ندارد، بلکه خشم الهی به معنای برچیدن دامنۀ رحمت و دریغ داشتن لطف از کسانی است که مرتکب اعمال زشتی شده اند. (مکارم، ۱۳۸۶: ۷۲ و ۷۸)»

به نظر می‌رسد این آراء مبتنی بر روایت امام صادق (ع) باشد: «... قَرْضَاهُ ثَوَابُهُ وَ سَخَطُهُ عِقَابُهُ مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ يَدْخُلُهُ فَيُهَيِّجُهُ وَ يَنْقُلُهُ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ الْعَاجِزِينَ الْمُحْتَاجِينَ» (کافی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۱۰). به این معنا که رضای او پاداش دادن او است و خشمش کیفر کردن او، بی آنکه چیزی در او تأثیر کند و او را به هیجان آورد و از حالی به حالی بگرداند، زیرا این از صفات مخلوق در مانده و نیازمند است).

انتقام از ریشهٔ نغم به معنای انکار کردن است (فراهِیدی، ۱۴۱۰: ۵/ ۱۸۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/ ۵۹۰). انتقام را به معنای اکراه نیز گرفته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵: ۶/ ۱۸۰). لغت‌شناسان تصریح کرده‌اند زمانی که این واژه متعدی به کار رود به معنای عقوبت است. (فراهِیدی، ۱۴۱۰: ۵/ ۱۸۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/ ۵۹۰)

فخر رازی از اشاعره، انتقام را به معنای عقوبت و کیفر دادن دانسته و منتقم بودن خداوند را به این معنا که خداوند فاعل انتقام است، می‌شمرد (فخر رازی: ۱۴۲۰: ۷/ ۱۳۴). علامه طباطبایی انتقام خداوند را به معنای مجازات گناهکار بر انجام گناه می‌داند، چون ذات باری تعالی منزّه از آن است که از اعمال بندگان متأثر شود و سود یا زیانی را ببیند (علامه طباطبایی: ۱۴۱۷: ۳/ ۱۰).

ملاحظه می‌شود در بین ترجمه‌های شیعی و سنی تفاوت قابل ملاحظه‌ای نیست.^۱ حتی سورآبادی که او را در شمار کرامیان می‌دانند در ترجمهٔ واژگان انتقام و تأسف و نسبت دادن آن دو به خدا همانند دیگر مترجمان عمل کرده است. فیض الاسلام بر خلاف بقیه مترجمان با انتخاب عبارت بی‌بهره کردن از رحمت، وصف انتقام را به خداوند نسبت نداده و از تعبیر لطیف‌تری استفاده کرده است.

۱. نیز ترجمه‌ی آیات: اعراف/ ۱۳۶ - حجر/ ۹ - روم/ ۴۷ - زخرف/ ۲۵ را ببینید.

۲-۴. چگونگی ترجمه صفت خبری مکر برای خداوند: وَمَكْرُؤًا و مَكَرَ اللَّهُ و اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (آل عمران/۵۴)

ترجمه‌های اهل سنت:

میبدی/ طبری: و مکر ساختند آن جهودان و مکر ساخت خدا و اللَّهُ بهتر همه ماکران است.

اسفراینی/ نسفی: و تدبیر مخالفت ساختند و مکافات کرد ایشان را خدای تعالی بر مکر، و خدای بزرگترین مکافات کنندگان است.

سورآبادی: و بسگالیدند و تدبیر کرد خدا در نجات او (عیسی(ع)) و هلاکت آن گروه و خدا بهین تدبیر کنندگان است در هلاکت دشمنان و نصرت دوستان.
انصاری: و مکر ورزیدند و خداوند [نیز در برابر مکر آنان] مکر ورزید و خداوند بهترین مکرانگیزان است.

خرمدل: و (یهودیان و دشمنان مسیح برای نابودی او و آئین آسمانی) نقشه کشیدند، و خداوند (هم برای حفظ او و آئین آسمانی) چاره‌جویی کرد؛ و خداوند بهترین چاره‌جویان است.

ترجمه‌های شیعی:

ابوالفتوح رازی: مکر و حيله کردند و کرد نیز خدای، و خدای بهترین ماکران است.
مجتبوی/ فولادوند: آنها (جهودان) نیرنگ ساختند- برای کشتن عیسی- و خدا هم [به سزایشان] نیرنگ ساخت و خدا بهترین نیرنگ‌سازان است.
گرمارودی: و (بنی اسرائیل) نیرنگ ورزیدند و خداوند تدبیر کرد و خداوند بهترین تدبیر کنندگان است.

سراج/ مشکینی: (کافران در باره کشتن عیسی) حيله کردند و حيله (ایشان را تلافی) کرد خدا و خدا بهترین مکافات دهنده است.

الهی قمشه‌ای: یهود با خدا مکر کردند و خدا هم در مقابل با آنها مکر کرد، و خدا از همه بهتر تواند مکر کرد.

بهبودی: دشمنان عیسی برای قتل او چاره‌جویی کردند و خداوند رحمان برای نجات

عیسی چاره‌جویی کرد و خدا در چاره‌جویی و شکست طرح دشمنان قوی‌ترین است. معزی: و مکر کردند و مکر کرد خدا و خدا است بهترین مکرکنندگان. فیض‌الاسلام: و خدا هم مکر نمود (جزای مکرشان داد به اینکه عیسی را به آسمان برد و کسی را که کفار را بر کشتن او راهنما بود به صورت آن حضرت جلوه داد تا او را به جای عیسی گرفتند و به دار آویختند). و خدا بهترین (تواناترین) مکرکنندگان است (بر زیان رساندن به کسی که می‌خواهد به دوستان او زیان رساند) خرمشاهی: و [مکران] مکر ورزیدند و خداوند هم [در پاسخشان] مکر در میان آورد، و خداوند بهترین مکرانگیزان است. کوشا: و یهودیان برای کشتن عیسی نقشه کشیدند و خدا نیز برای حفظ او چاره‌سازی کرد و خدا بهترین چاره‌سازان است.

جدول ۳ (ترجمه فعل مَکَرَ اللهُ، در آیه ۵۴ سوره آل عمران)

نام مترجم	واژه انتخابی
میبیدی / طبری / معزی / ابوالفتوح رازی	خدا مکر کرد
فیض‌الاسلام / خرمشاهی / سراج / مشکینی / اسفراینی / نسفی / الهی قمشه‌ای / مجتبی / فولادوند / انصاری	خدا جزای مکر را داد / حیلۀ ایشان را تلافی کرد / پاسخ مکرشان را داد / به سزای شان نیرنگ ساخت
بهبودی / کوشا / گرمارودی / خرمدل	خدا چاره‌سازی و تدبیر کرد

جدول ۴ (ترجمه واژه ماکرین در آیه ۵۴ سوره آل عمران)

نام مترجم	واژه انتخابی
فیض‌الاسلام / خرمشاهی / معزی / الهی قمشه‌ای / رازی / انصاری / میبیدی	ماکر / مکرانگیز / مکرکننده
/ سراج / مشکینی / اسفراینی / نسفی	مکافات دهنده
بهبودی / کوشا / گرمارودی / خرمدل / مجتبی / فولادوند / سورآبادی	چاره‌ساز / تدبیرکننده / نیرنگ‌ساز

ترجمه صفت خبری مکر الهی به سه گونه انجام شده است:

۱- میبیدی، طبری، معزی و ابوالفتوح رازی واژه مکر را ترجمه نکرده‌اند.

۲- فیض الاسلام خرمشاهی، سراج، مشکینی، اسفرائینی، نسفی، الهی قمشاهی، مجتبی، فولادوند و انصاری معادل جزای مکر، تلافی کردن، پاسخ مکر را دادن را برگزیدند.

۳- بهبودی، کوشا، گرمارودی، انصاری و خرمدل مفهوم چاره‌سازی و تدبیر را انتخاب کردند.

برخی لغویان معنای اولیه مکر را چاره‌جویی دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵، ۳۷۰) برخی هم قائلند مکر یعنی منصرف کردن دیگری از آنچه قصد کرده که ممکن است ممدوح یا مذموم باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۷۷۲). و برخی دیگر معنای این واژه را خدعه دانسته‌اند (ابن منظور ۱۴۱۴ ق: ۵/۱۸۴).

قرآن کریم در ۶ مورد، مکر را به خداوند متعال نسبت داده است.^۱ عده‌ای معتقدند مکر خداوند به جزای ماکر است. (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۲۰۲/۸) برخی مکر الهی را استدراج دانسته‌اند. (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۸۳/۳)

مکر الهی به‌خلاف سُخریه، می‌تواند در دنیا صورت گیرد؛ به عبارتی تدبیر یا جزای مکر که خود، مکر الهی است، می‌تواند هر دو در دنیا صورت گیرد؛ با این حال بعضی مترجمان شیعه و سنی، با ترجمه تحت اللفظی، مکر و نیرنگ را به خداوند نسبت دادند. به هر حال مکر اگر به ساحت ربوبی نسبت داده شود، بهتر است تدبیر کردن یا جزای مکر را دادن برای ترجمه انتخاب شود.

در آیاتی از قرآن، صفاتی چون مکر و کید و خدعه به ذات اقدس الهی نسبت داده شده است. درحالی که بنا به عقیده امامیه ساحت الهی از نسبت دادن این گونه امور به مفهوم رایج آنها در میان انسان‌ها منزّه است و این معانی برای خداوند به معنای حقیقی خود به کار نرفته‌اند.

۱. ن ک: اعراف/۹۹- انفال/۳۰- یونس ۲۱- رعد/۴۲- ابراهیم ۴۶- نمل ۵۰/

۳-۴. چگونگی ترجمه صفت خبری استهزاء: اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ (بقره/ ۱۵)

صفت خبری دیگری که بار منفی دارد و در قرآن به خدا نسبت داده شده استهزاء است.

ترجمه‌های اهل سنت:

طبری/ میبیدی: خدای افسوس کند بر ایشان.
انصاری/ دهلوی: خداوند آنان را به ریشخند می‌گیرد.
سورآبادی: خدای مکافات استهزاء ایشان باز کند.
اسفراینی: خدای، تعالی، مکافات کند بر آن استهزاء ایشان را.
نسفی: خدای تعالی جزای استهزای ایشان به سزا به ایشان برساند.
خرمدل: خداوند ایشان را مسخره می‌نماید.

ترجمه‌های شیعی:

ابوالفتح رازی: خدای فسوس دارد به ایشان.
الهی قمشه‌ای: خدا به ایشان استهزاء کند.
مشکینی: خدا هم آنها را (در قیامت) مسخره خواهد کرد.
مجتبوی/ معزی/ گرمارودی/ فولادوند: خداوند آنها را ریشخند می‌کند.
فیض الاسلام/ سراج: خدا (هم) ایشان را استهزاء می‌کند. (آنان را بر اثر استهزائشان به کیفر می‌رساند).
صالحی و خرمشاهی و کوشا: خداست که ریشخندشان می‌کند.

جدول ۴ (ترجمه صفت خبری اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ منسوب به خداوند در آیه ۱۵ سوره بقره)

نام مترجم	واژه انتخابی
صالحی/خرمشاهی/کوشا/رازی/مجتبوی/معزی/ گرمارودی/ فولادوند/ خرمدل/ انصاری/ دهلوی	مسخره می‌کند/به‌ریشخند می‌گیرد
الهی قمشه‌ای	استهزاء می‌کند (بدون ترجمه)
فیض الاسلام/ سراج/ نسفی/ اسفراینی/ سورآبادی	به کیفر و جزای استهزاء، مکافات می‌کند

مترجمان صفت خبری استهزاء را برای خدا به سه گونه ترجمه کرده‌اند:

- ۴- بدون ترجمه و به کارگیری خود واژه.
- ۵- اغلب مترجمان معادل‌های مسخره و ریشخند کردن را برگزیدند.
- ۶- برخی استهزاء الهی را به معنای مکافات و جزا دانسته‌اند.
- استهزاء از ریشه هزء به معنای مسخره کردن آمده است. (فراهیدی : ۴: ۷۵؛ ابن‌منظور: ۱: ۱۸۳) راغب اصفهانی ضمن آنکه هزء را به معنای مزاح پنهانی می‌داند، استهزاء نسبت به خداوند را صحیح نمی‌داند و آن را به معنای مجازات استهزاء و تمسخر کافران گرفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱/ ۸۴۱). خوار و ذلیل کردن و جزای گناه نیز معنای دیگری است که طریحی به آن اشاره کرده است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۱، ۴۷۷)
- مصطفوی اصل واژه هزء را مطلق تحقیر و اهانت بدون توجه به سبب آن دانسته است. پس استهزاء به معنای طلب تحقیر است به هر وسیله‌ای که رخ دهد چه به خود یا دیگران (مصطفوی ۱۳۶۰: ۱۱/ ۲۵۶).
- طبری قول صحیح را این نکته می‌داند که استهزاء منافقان در قیامت روی می‌دهد به این نحو که آنها را در دنیا به احکام مسلمانان ملحق می‌کند و اینها می‌پندارند که در قیامت هم با مسلمانان اهل نجات خواهند بود، وانگهی آنها را در قیامت وارد صف کفار می‌کند و این گونه آنها را استهزاء می‌کند. شبیه این معنا را مترجمانی از شیعیان نیز ارائه کرده‌اند و استهزاء را جزای سخریه می‌دانند. یعنی آنچه که آنها را مفتضح می‌کند این است که آنها به گمان اینکه مسلمانان را مسخره کرده‌اند، چون خودشان را در صف آنها جا زدند و احکام خوب مسلمانان را در دنیا با خود حمل می‌کنند، به این پندار هستند که در آخرت هم می‌توانند به راحتی خود را در صف مسلمانان جا بزنند؛ اما خداوند آنها را در قیامت به سخریه می‌گیرد و آنها را در صف کفار محشور می‌کند. لذا اینها وامی‌نهند و متحیر می‌شوند، اینجاست که مؤمنان به آنها می‌خندند: **فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ** (مطففین/ ۳۴).
- در میان مترجمان فیض الاسلام، سراج، نسفی، اسفراینی و سورآبادی با انتخاب معادل مکافات به جزای استهزاء در انتقال و انعکاس باور کلامی در ترجمه نزدیک‌ترند.

نتیجه‌گیری

برخی ترجمه‌ها آمیخته‌ای از تفسیر و ترجمه‌اند؛ اما در ترجمه‌های تحت‌اللفظی و امین، وظیفه مترجم در برخورد با آیات چیزی فراتر از برگرداندن واژه‌ها از مبدأ به مقصد نیست و دخالت دادن مفاهیم کلامی در ترجمه، فراتر از حوزه کاری مترجم است؛ بنابراین:

۱- تنها ترجمه‌های تفسیری به دلیل بهره‌مندی از روش ترجمه تفسیری، انعکاس باور کلامی مترجم بوده‌اند.

۲- تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان ترجمه‌های شیعی و سنی در سه آیه انتخاب شده ملاحظه نمی‌شود.

۳- با توجه به نبود اختلاف میان تفاسیر امامیه و فرق اهل سنت، به تبع تفاوتی میان ترجمه‌های معتزله، اشاعره و ماتریدیه نیز نخواهد بود.

در این جستار با بررسی ترجمه‌هایی از قرآن کریم با روش‌های تحت‌اللفظی، آزاد و تفسیری در سه آیه می‌توان یافته‌های زیر را برشمرد: تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان ترجمه‌های شیعی و سنی در سه آیه انتخاب شده ملاحظه نمی‌شود. گاهی مترجمان همان واژه عربی را بدون ترجمه ذکر کرده‌اند. و برخی ترجمه‌ها هم آمیخته‌ای از تفسیر و ترجمه‌اند. گرچه وظیفه مترجم در برخورد با آیات چیزی فراتر از برگرداندن واژه‌ها از مبدأ به مقصد نیست و دخالت دادن مفاهیم کلامی در ترجمه، فراتر از حوزه کاری مترجم است. تنها ترجمه‌های تفسیری به دلیل بهره‌مندی از روش ترجمه تفسیری در انعکاس باور کلامی در ترجمه موفق‌تر از بقیه بوده هر چند در مواردی تطویل و زیاده‌گویی در این گونه ترجمه‌ها همچون ترجمه فیض الاسلام نیز به چشم می‌خورد.

فهرست منابع

- ۱- اسفرائینی، شهفو ربن طاهر (۱۳۷۵ش). تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم. تهران: انتشارات شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر نشر میراث مکتوب.
- ۲- اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۱۴ق)، الابانۀ عن اصول الدیانۀ، بیروت، دار النفائس.
- ۳- پاکتچی، احمد. (۱۳۹۲ش). ترجمه شناسی قرآن کریم: رویکرد نظری و کاربردی (مطالعه از سطح واژگان تا ساخت جمله)، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ۴- خرمدل، مصطفی. (۱۳۷۰ش). ترجمۀ تفسیر نور. تهران: انتشارات احسان.
- ۵- خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۷۵ش). قرآن کریم با ترجمۀ فارسی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۹۶۱ م). مفردات الفاظ القرآن، بیروت: مکتبۀ المصطفی البابی الحلبی.
- ۷- رازی، ابوالفتح (۱۳۷۱ش). روض الجنان و رّوح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۸- ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۸۵ش)، فرق و مذاهب کلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۹- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۷۰ش) بحوث فی الملل و النحل. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- ۱۰- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد. (۱۳۸۰ش). تفسیر سورآبادی، تهران: انتشارات فرهنگ نشر نو.
- ۱۱- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴ش)، الملل و النحل، تحقیق محمد بدران، قم، الشریف الرضی.
- ۱۲- صدرالدین شیرازی (۱۹۸۱م)، الحکمۀ المتعالیۀ فی الاسفار العقلیۀ الاربعۀ، بیروت، دار احیاء التراث.
- ۱۳- صدرالدین شیرازی (۱۳۶۳ش) مفاتیح الغیب، تصحیح محمد خواجوی، تهران، مؤسسۀ تحقیقات فرهنگی.

- ۱۴- الطباطبائی، السید محمد حسین (۱۳۹۷ش)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، دار الکتب الاسلامیه، طهران، الطبعة الثالثة.
- ۱۵- طبرسی، علی بن احمد، (۱۳۸۱ش) الاحتجاج، مترجم: جعفری، بهزاد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۶- طوسی، خواجه نصیر الدین، (۱۳۸۹ش) کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد علامه حلی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۷- مجتبی، سید جلال الدین، (۱۳۸۸ش). قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- ۱۸- مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۷۷ش). هرمونیک، کتاب و سنت. تهران: انتشارات طرح نو.
- ۱۹- مصطفوی، حسن (۱۳۶۳ش) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳ش). ترجمه قرآن، قم: دار القرآن الکریم.
- ۲۱- نراقی، احمد، (۱۳۷۸ش) معراج السعادة، قم، هجرت.
- ۲۲- نسفی، عمر. (۱۳۷۶ش). تفسیر نسفی، تهران: نشر سروش.
- ۲۳- نوبختی، حسن بن موسی. (۱۳۵۵ ق) فرق الشیعه، نجف، المطبعة الحیدریه.
- ۲۴- یغمایی، حبیب. (۱۳۳۹ش). ترجمه تفسیر طبری، فراهم آمده در زمان منصور بن نوح سامانیف تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مقالات

- ۱- بهارزاده، پروین. (۱۳۷۸ش). ترجمه پذیری قرآن کریم، مجله بینات (مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع))، شماره ۲۴، ۵۲-۷۴.
- ۲- رضا امانی، یسرا شادمان، مصیب مرزبانی (۱۳۹۵ش)، مطالعه معناشناختی امهات اسماء و صفات الهی و نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، ترجمان وحی، شماره ۳۴
- ۳- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۴ش). فصلنامه پیام جاویدان، شماره ۶
- ۴- زینلی، روح الله (۱۳۹۶ش)، معناشناسی صفات منفی نمای خداوند در قرآن از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبائی، مشکات، شماره ۱۳۶
- ۵- فرزاد، فرزانه (۱۳۹۰ش). نقد ترجمه ارائه مدل سه وجهی، نشریه پژوهشنامه، شماره ۸۸، ۴۸-۲۹.

- ۶- قریشی، محمد حسین؛ جهانجویان، طاهر. (۱۳۹۱ش). بررسی نمونه هایی از انعکاس ایدئولوژی مترجمان در ترجمه قرآن، نشریه پژوهش های اسلامی، شماره ۸، ۱۲۷-۱۵۶.
- ۷- مختارزاده نیکجه، مهدی و ایازی، سید محمد علی. (۱۳۹۶ش). تأثیر باورهای کلامی بر افزوده های توضیحی مترجمان معاصر قرآن فیض الاسلام و خرم دل، شماره ۸۴، ۱۰۸-۱۳۱.
- ۸- مروتی، سهراب؛ یعقوبی، مینا. (۱۳۹۴ش). بررسی تأثیر پیش فرض های مذهبی بر ترجمه قرآن، نشریه مطالعات قرآنی، شماره ۲۱، ۹۵-۱۰۶.
- ۹- موسوی رضوی، میر سعید؛ راد، اشکان. (۱۳۹۷ش). بازنمایی تصور انسان وار و نایمان وار از خدا در ترجمه های انگلیسی و فارسی قرآن مجید (مورد پژوهی ید و ساق)، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۵، شماره ۱۰.
- ۱۰- ناصر، گذشته. (۱۳۸۲ش). ساز و کار تفسیر محکم و متشابه از دیدگاه معرفت شناسی کلامی، مقالات و بررسی ها، شماره ۵، ۵۱-۷۵.

پایان نامه

- ۱- راد، اشکان. (۱۳۹۷ش) پیش فرض های کلامی و ترجمه صفات خداوند در قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: موسوی رضوی، میر سعید، دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۲- عبادی، ناهید. (۱۳۹۳ش) بررسی فاکتورهای سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک دخیل در ترجمه قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: غلامی، مهوش، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی.
- ۳- میر علی اکبری، سید علی اصغر. (۱۳۹۸ش). تأثیر آراء فقهای شیعه بر ترجمه های معاصر آیات الاحکام، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: زارع برمی، مرتضی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان.